

هنوز یک هفته از شروع اکران فیلم کودک «شهر گربه‌ها» ساخته سید جواد هاشمی نگذشته که کارگردان اعلام کرده در پاسخ به اعتراض برخی‌ها فیلمش را اصلاح می‌کند، این در حالی است که به نظر می‌رسد بیش از آنکه فیلم زری تیغ حاشیه‌ها باشد، خود سیدجواد هاشمی است که در تیررس حساسیت‌ها قرار دارد. او چندی قبل فیلم «شهر گربه‌ها» را در جشنواره بین‌المللی فیلم کودک و نوجوان رونمایی کرد و اگرچه اکران در این روزهای کرونایی ریسک بالایی دارد، اما تصمیم گرفت به دلیل هزینه زیاد تولید و چند فیلم اکران نشده‌اش، «شهر گربه‌ها» را راهی سینماها کند تا بخشی از بدهی‌هایش را جبران کند. این فیلم در تمام اطلاع‌رسانی‌های گذشته با محور استکبارستیزی و نقد مهاجرت جوانان و خانواده‌ها معرفی می‌شد و حتی نام یکی از بازیگران فیلم «ترامب» درج می‌شد، ولی در حالی که هنوز به فروش ۲۰۰ میلیون تومان هم نرسیده به دلیل رقص و آنچه انحراف کودکان‌عنوان شده، مورد انتقاد قرار گرفته تا جایی که کمیته‌ی علیه این فیلم و با هدف لغو اکرانش به راه افتاده است. اگرچه فیلم‌های سینمایی و حتی سریال‌های تلویزیونی متعددی تا به حال اکران و پخش شده که بنا به داستان، رقص در آن دیده شده اما این حاشیه‌ها کار را به جایی رسانده که سیدجواد هاشمی تصمیم به اصلاح فیلم گرفته؛ اصلاحی که قطعاً هم هزینه زیادی در این شرایط دارد و هم، زمان‌بر است ولی مهم‌تر از این‌ها دو پرسش را نیز به همراه دارد؛ اینکه نقش سازمان سینمایی و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به این فیلم مجوز اکران داده، چیست؟ آیا همراهی با اصلاح این فیلم به معنای کوتاه آمدن از مجوز صادر شده توسط شورا و رد تصمیم اعضای آن نیست؟ در این باره جواد هاشمی که نسبت به اتفاق‌های پیش آمده گلهمند است و در عین حال ترجیح می‌دهد درباره انتظار خود از مسئولان سینمایی اظهارنظری نکند، در گفت‌وگویی با ایسنا بیان کرد: متأسفانه با حذف برخی پلان‌ها



**« برای من سوال است که اگر پلان‌های رقص سریال «پایتخت» را کنار هم بگذارند و یک تیزر بسازند آیا کسی اعتراض می‌کند و کمپین به راه می‌افتد؟ خیر، این شرایط برای «من» درست شده وگرنه چنین چیزی پیدمی شده و در جامعه و خانه‌ها رخ می‌دهد، در سریال‌ها هم دیده می‌شود. حتی برای گفتن مفاهیم درستی که هدف جمهوری اسلامی است هم رقص و هم حتی بی‌حجابی در فیلم‌ها اتفاق می‌افتد. آیا به همه آنها اعتراض می‌شود؟**

تمام دی‌سی‌سی‌ها باید تغییر کند، فیلم باید دوباره صداگذاری و نیز بار دیگر اصلاح رنگ شود. این کار گرفتاری خیلی زیادی پیش روی

در پی حواشی بوجود آمده برای فیلم «شهر گربه ها»

# سید جواد هاشمی: از این پس با لباس به استخر می‌روم!

من خواهد آورد که جدا از هزینه‌های تحمیلی، امیدوارم تا پایان هفته به انجام برسد. این بازیگر و کارگردان که چند ماه قبل بخاطر بازی در سریال شبکه نمایش خانگی «زخم کاری» به کارگردانی محمدحسین مهدویان حاشیه‌ساز شد و از همان زمان بیشتر زیر ذره‌بین قرار گرفت، تاکید دارد: «نسبت به من و آثارم حساسیت ایجاد شده است و کاملاً مشخص است که اگر من سازنده یکی دو فیلم دیگری که الان در حال اکران است بودم، حتماً جماعت حزب‌اللهی اجازه اکران آن را نمی‌دادند. برای من سوال است که اگر پلان‌های رقص سریال «پایتخت» را کنار هم بگذارند و یک تیزر بسازند آیا کسی اعتراض می‌کند و کمپین به راه می‌افتد؟ خیر، این شرایط برای «من» درست شده وگرنه چنین چیزی پیدمی شده و در جامعه و خانه‌ها رخ می‌دهد، در سریال‌ها هم دیده می‌شود. حتی برای گفتن مفاهیم درستی که هدف جمهوری اسلامی است بالاخره گاهی هم رقص و هم حتی بی‌حجابی در فیلم‌ها اتفاق می‌افتد. آیا به همه آن‌ها اعتراض می‌شود؟ او ادامه داد: با این حال تصمیم‌ام برای حذف برخی پلان‌ها نه بخاطر شیطنت‌های بعضی خبرگزاری‌ها بلکه به این خاطر است که مناسفانه برخی افرادی که اصلاً فیلم را ندیده‌اند با قضاوت جلو می‌روند و من این کار را می‌کنم تا یاد بگیریم به همدیگر احترام بگذاریم. امیدوارم آن‌ها نیز به من احترام بگذارند، فیلم را ببینند و متوجه شوند که قضاوت‌تیزر درست نبوده است. به گزارش ایسنا، هاشمی در پاسخ به اینکه آیا برای هزینه این اصلاح تحمیلی سازمان سینمایی پشتیبانی مالی خواهد کرد یا خیر؟ گفت: حتی اگر کمک کنند شاید خیلی فرقی نکند، چون واقعیت این است که من دیگه بابت این همه همه همجه، بداخلاقی و قضاوت نسبت به خودم خسته شدم. من آدمی مذهبی هستم و اینکه مذهبی‌ها متوجه نشدند که من چه می‌کنم و چه می‌گویم برایم بسیار غم‌انگیز است. فکر می‌کنم یا باید کوتاه بیایم و یا باید شجاع‌اید این کار را کنار بگذارم و از این به بعد هم با لباس به استخر بروم!

صفر کشکولی:

## روزگاری مخاطبان سینما از من می‌ترسیدند!



قدم می‌زند مورد احترام مردم باشد و یک بازیگر یا ورزشکار هم دلش به همین واکنش‌ها خوش است. همین کشتی‌گیران ایران که به تازگی مدال‌های جهانی گرفتند، اگر استقبال مردم این‌ها نبود گویی مدال‌ها به آن‌ها نمی‌چسبید. به‌واسطه استقبال مردم این مدال‌ها افتخار آفرین می‌شود. استقبال گرم مردم به ما هم روحیه می‌دهد و از آن‌ها انرژی می‌گیریم. این بازیگر باسابقه درباره رفتار مسئولان نسبت به هم‌نسلان خود در عرصه بازیگری افزود: مسئولان ما را فراموش کرده‌اند. خیلی از بازیگران و ورزشکاران قدیم در حال فراموشی هستند. مسئولان هیچ گاه یاد ما هم نیستند. بالاخره ما هم زمانی قهرمان بودیم. هم مدیران سینمایی و هم مدیران ورزشی ما را فراموش کرده‌اند. خاطی هست زمانی که سر فیلم «سرحد» دچار سانحه شدم، آقای ساموئل خاچیکیان که از کارگردانان بزرگ سینمای ایران بودند، دیدنشان به تهران منتقل کنند. این افراد آن زمان به یاد ما بودند، اما امروز چه کسی به یاد ماست؟ هیچ‌کس! وی افزود: خیلی از این بازیگران پیشکسوت هستند که امروز مستأجر هستند و شاید امورات زندگی روزمره‌شان را هم نتوانند بگذرانند. چرا به این هنرمندان قدیمی توجهی نمی‌شود. ما کارگردانان بزرگی مانند مجید جوانمرد را داریم، مگر زمان خودش کم فیلم ساخت؟ چرا امروز باید بیکار باشد و تهیه‌کننده‌ها نباید سراغی از او بگیرند؟ محسن شاه‌محمدی و علی نقیبی و امثال این‌ کارگردانان، تهیه‌کنندگان و نویسندگان قدیمی امروز در خانه نشسته‌اند، لاقلاً از تجربه این عزیزان استفاده کنیم. صفر کشکولی در بخش دیگری از صحبت‌های خود گفت: زمانی که سریال «آینه عبرت» را بازی می‌کردم، این سریال جزو پرمخاطب‌ترین سریال‌ها حتی در تاریخ تلویزیون ایران بود. انگار این سریال رأس ساعت ۹ پان تلوویزیون می‌نشاند. بهترین خاطره من همین است که آن زمان وقتی به خیابان می‌آمدم با استقبال گرم مردم مواجه می‌شدم.

حتی در بیابان اگر به جایی می‌رفتم بازهم افرادی بودند که «آینه عبرت» را دیده باشند و من را «اقاصفر» صدا می‌کردند. وی افزود: خیلی‌ها به دلیل نقش‌های خشنی که بازی می‌کردم از من می‌ترسیدند. یاد هست زمانی می‌اوستم به اداره‌ای بروم. خانمی جلو آمدم و تشکر کرد که شب قبل من را در سریال «آینه عبرت» دیده بود، همان زمان دخترش جغ کشید و پشت مادرش پنهان شد! می‌گفت مامان من از این آقای ترسم! رفته جلو و سرش رو بسویدم و گفتم این‌ها همه نقش است که ما بازی می‌کنیم. این بازیگر با اشاره به ایفای بالغ‌بسر ۱۰۰ نقش منفی در فیلم‌ها و سریال‌های مختلف گفت: امروز هم نقش منفی بازی می‌کنم اما خودم حتی بلد نیستم یک اسلحه را درست در دستم بگیرم! «سرحد» وقتی از پشت لندکروز تیراندازی می‌کردم، اسلحهام ۱۴ کیلوگرم وزن داشت و از تیرهای واقعی هم استفاده می‌کردیم! رئیس کل ستاد مبارزه با مواد مخدر زاهدان آن زمان به من می‌گفت این مدل تیراندازی از پشت لندکروز، کار هر کسی نیست. می‌رسید شما دوره چریکی دیده‌اید؟ که می‌گفتم خیر، این‌ها همه از علاقه من به سینما و تلاشم برای بازی کردن نقش‌هایم بود. وی بیان کرد: برای تیزر همین فیلم «سرحد» باید صحنه تیراندازی پشت لندکروز را تکرار می‌کردیم که از کارگردان و راننده خواستم سرعت را زیاد نکنند. چون به هیچ جایی وصل نبودم و با تیربار سنگین‌بشت ماشین ایستاده بودم. وقتی ضبط شروع شد راننده ناگهان پایش را روی گاز گذاشت و الان در فیلم هم سکانسش هست که من چقدر حین تیراندازی به طرفین پرتاب می‌شدم. سر همان صحنه از ماشین پرت شد روی آسفالت، بی‌بیم آسیب جدی دید و پشیمانی متلاشی شد! واقعاً خداوند عمر دوباره‌ای به من داد. ما این کارهای خطرناک را به جان می‌خریدیم و خودمان بدلکار خودمان بودیم. این بازیگر باسابقه افزود: در اکثر فیلم‌ها و سریال‌هایی که بازی کرده‌ام، نقش منفی داشتم. یا کسی را می‌کشم یا در زندان بودم. بازی در این نقش‌های منفی کار هرکسی نبود. عده‌ای از مردم به این محبت داشتند اما همان زمان، عده‌ای از مردم هم از ما می‌ترسیدند. خیلی‌ها حتی از ما بدشان می‌آمد. در حالی که این‌ها نقش‌هایی بودند که به ما می‌دادند. اگر همه بخواهند نقش امام حسین (ع) را بازی کنند، پس چه کسی باید نقش شمر داشته باشد؟ فرغ از این‌ واکنش‌ها، تا امروز که در میان مردم زندگی کرده‌ام، احترام بسیار زیادی به ما می‌گذارند. به گزارش مهر، کشکولی در پایان درباره ارتباط با بازیگران هم‌نسل خود هم گفت: جمشید هاشم‌پور یکی از دوستان نزدیک من است. ما در یک باشگاه با هم ورزش می‌کردیم. او در رشته خودش یعنی کتگ‌فو می‌کرد و من هم که به‌عنوان قهرمان آسیا در رشته بدن‌سازی کار می‌کردم. ما ۲ تا مانند برادریم برای هم‌دیگر و دوستی نزدیکی با هم داریم.

### «تالار هنر» آغاز به کار می کند

حسین مؤذن مدیر تالار هنر که طی ماه گذشته به دلیل انجام بازسازی در برخی بخش‌های تالار تعطیل بود، درباره وضعیت بازسازی تالار هنر به مهر گفت: مرحله اول بازسازی تالار هنر پیش‌تر انجام شده بود و طی آن اتاق‌های گرم و سرویس‌های بهداشتی بازسازی شدند. در مرحله دوم بازسازی که اخیراً انجام شد سیستم ماشینری صحنه و تجهیزات بازسازی و پردها برقی شدند. همچنین در این مرحله بالابرها صحنه نیز برقی شدند و لابی و راهروهای تالار نیز رنگ‌آمیزی شد. وی یادآور شد: هنوز هم بخش‌های دیگری از تالار هنر نیاز به بازسازی دارد که با قول مساعدی که مدیر کل هنرهای نمایشی برای تأمین هزینه‌های مورد نیاز در این خصوص داده و پیگیری‌هایی که انجام می‌دهیم در مقاطع زمانی دیگر این بازسازی‌ها هم انجام خواهند شد. به گزارش مهر، مؤذن درباره زمان از سرگیری فعالیت تالار هنر با توجه به پایان مرحله دوم بازسازی این سالن، گفت: تالار هنر از روز چهارشنبه ۱۰ آذر با میزبانی از نمایش «هدیه سحرآمیز» به کارگردانی مهدی خجستگی فعالیت خود را از سر می‌گیرد.

### تمبر «مارگارت آتوود» منتشر شد

اداره پست کانادا روز بیست و پنجم نوامبر (۴ آذر) از ۶۰ سال فعالیت ادبی «مارگارت آتوود» نویسنده مشهور رمان «سرگذشت ندیمه» با انتشار تصویر این نویسنده بر روی تمبر تجلیل کرد. طی مراسمی که در کتابخانه تورنتو برگزار شد از این نویسنده متولد «اتاوا» در حضور خانواده و نزدیکان او تجلیل شد. در تمبر یادبود «مارگارت آتوود» تصویری از پان نویسنده با چشمان بسته و عیبار «کلمه پشت کلمه» پشت کلمه قدرت است» که بخشی از شعر «هچی کردن» این نویسنده است، به چاپ رسیده است. مارگارت آتوود، نویسنده برنده جایزه‌های معتبر ادبی، تاکنون ۵۰ اثر از جمله چندین رمان، داستان کوتاه و شعر به چاپ رسانده است و تاکنون میلیون‌ها نسخه از آثار او که به بیش از ۳۰ زبان دنیا ترجمه شده در سراسر جهان به فروش رسیده‌اند. به گزارش ایسنا و به نقل از دبلی صباح، «آتوود» نخستین کتاب خود را که یک کتاب شعر بود در سال ۱۹۶۱ به چاپ رساند. «چشم گربه»(۱۹۸۸)، «الیاس گریس» (۱۹۹۶)، «آدمکش کور»(۲۰۰۰) و سه‌گانه «هدآدام»(۲۰۱۳-۲۰۰۲) از دیگر آثار این نویسنده هستند.

### کف قیمت فروش فیلم به تلویزیون و پلتفرم‌ها تعیین شد

تمدیدی با سازمان صدا و سیما، برای سه سال می‌بایست مبلغ یک میلیارد ریال باشد. همچنین با توجه به شرایط تورمی در دوره‌ی مذکور، کف قیمت فیلم‌ها در قراردادهای تمدیدی با سامانه‌های نمایش آنلاین، به صورت انحصاری، برای سه سال، ششصد میلیون ریال است. به گزارش صبا، بر اساس این بخشنامه،

امروز: همان فردای دیروز است

### «برگزین» و روزنامه‌های ایران

در این ستون –بی‌هیچ دخل و تصرفی– گزیده‌ای از مطالب روزنامه‌های سراسری کشور را فردای انتشار می‌توانید مطالعه کنید.

**کیهان: امروز چه روزی است!؟**

۱- دو روز بعد از مذاکرات هسته‌ای ایران و ۵+۱ که در بغداد برگزار شده بود، یادداشتی به همان مناسبت در کیهان داشتیم که بخشی از آن وصف‌الحال است. در مطلع آن یادداشت آورده بودیم: «خانم‌ها و آقایان! می‌دانید امروز چه روزی است؟!این پرسشی بود که دکتر جلیلی مسئول تیم هسته‌ای کشورمان در آغاز یکی از نشست‌های کاری اجلاس بغداد از نمایندگان ۵+۱ پرسید. سؤال غیرمتعارف بود و اعضا و نمایندگان هیئت مذاکره‌کننده ۵+۱ که نمی‌دانستند این سؤال چه ربطی به موضوع مذاکرات دارد، با تعجب پاسخ دادند «امروز چهارشنبه ۲۳ می ۲۰۱۲ است.» دکتر جلیلی گفت « و نسوم خرداد، یعنی دقیقاً همان روزی که ۳۰ سال پیش خرمشهر را از اشغال عراق دوران صدام آزاد کردیم» و سپس توضیح داد که چگونه در آن جنگ ۸ ساله کشورهای متبوع گروه ۵+۱ و همه قدرت‌های ریز و درشت در دنیای بلوک‌بندی شده آن روزها، با تمامی تجهیزات و ماشین‌های جنگی و سیاسی و تبلیغاتی خود به حمایت از صدام وارد کارزار شده بودند، تاکن‌های لئوپارد آلمانی، چیفتن‌های انگلیسی، موشک‌های اورگوسه و جنگنده‌های میراژ و سوپراونتراند فرانسوی، هواپیماهای میگ و موشک‌های اسکادبی روسی، بمب‌های شیمیایی آلمانی و انگلیسی، موشک‌های ساییدابندر و هواپیماهای آواکس آمریکایی، قله‌های سعودی و کویتی و اماراتی و… در اختیار رژیم بعثی صدام بود و ما به قول حضرت امام راحل(ره) تنهای تنها بودیم ولی می‌بینید که آن عقبه سخت و نفس‌گیر را با پیروزی پشت سر گذاشتیم! امروزه صدام کجاست؟ و ما در کدام نقطه ایستاده‌ایم؟..امروز در سارروز آزادی مقتدرانه خرمشهر و درحالی که حاکمیت عراق به مردم مظلوم آن و دوستان استراتژیک ما بازگشته است در قصر صدام با شما به مذاکره نشستیم» دکتر جلیلی در ادامه می‌گوید: « آن روزها که همه دنیا در یکسو و ایران اسلامی در سوی دیگر ایستاده بود، تسلیم زورگویان غربی و شرقی و حامیان منطقه‌ای آنها نشدیم بنابراین نباید انتظار داشتند باشی‌مد امروز که در اوج اقتدار هستیم کسی باج‌بندیم ودر مقابل خواسته‌های غیرقانونی و زورگویانه آنان تسلیم شویم «نقل به مضمون.»

۲- فردا (۸ آذر ۱۴۰۰) مذاکرات متوقف شده وین درحالی‌ از سر گرفته می‌شود که روزهای هفتم و هشتم آذرماه به ترتیب با سالگرد ترو و شهادت دو تن از دانشمندان بزرگ هسته‌ای کشورمان، شهید مجیدشهریاری و شهیدمحسن فخری‌زاده همزمان است. تیم هسته‌ای کشورمان نباید فراموش کند که با چه گرگ‌های درنده‌ای روبه‌روست دیروز رابرت مالی، نماینده ویژه دولت آمریکا در امور ایران از اینکه تیم هسته‌ای کشورمان حاضر به مذاکره جداگانه با تیم هسته‌ای آمریکا نیست، بر آشفته و گفته بود «ام در یک اقامت خواهیم داشت و باید صبر کنیم ببینیم دیگران که با ایران بر سر میز (مذاکره) صحبت می‌کنند چه چیزی (به ما) گزارش می‌دهند. البته نباید این‌گونه باشد زیرا ما بارها به ایران گفته‌ایم که اگر خواهان حصول نتیجه و رسیدن هرچه سریعتر به نتیجه هستیم بهتر است که رو در روی ما بنشینید.» رابرت مالی رو در رو با تیم آمریکا را تحقیر کشورش دانسته و اعلام کرده بود این اقدام ایرانی‌ها، محول نتیجه در ا به تاخیر می‌اندازد که باید گفت؛ انتقام خون شهدای بزرگوارمان اگرچه هرگز نباید به فراموشی سپرده شود ولی ادامه تحقیر آمریکا و مخالفت با نیروی رو در رو با تیم هسته‌ای آن کشور، کمترین اقدامی است که از تیم هسته‌ای کشورمان انتظار می‌رود. چگونه می‌توان با قاتلان شهید سلیمانی و ابو مهدی و شهریاری و فخری‌زاده و علی محمدی و احمدی‌وروشن و رضائی‌نژاد و… در دو سوی یک میز به مذاکره نشست!؟

۳- بدهی‌های است که این فقط جزء بسیار کوچکی از ماجراست و آتش مقدسی که از شهادت شهیدانمان در دل ملت زبانه می‌کشد حتی با انتقام و قصاص قاتلان آن شهدای عزیز هم خاموش شدنی نیست.

**اعتماد: ایجاد فضای بدبینی با رای‌ها اطلاعات ناقص**

روند اشتباهی که در اغلب دولت‌ها در ایران تکرار شده، انداختن تقصیر اتفاقات به گردن مدیران دولت قبل است و در این مورد تقریباً استثنایی وجود ندارد. همان‌طور که گفتارهای برخی مدیران دولت حسن روحانی به تا چند سال پیش از تشکیل دولت هم مقصر اصلی برخی مشکلات را دولت محمود احمدی‌نژاد ذکر می‌کردند صرف‌نظر از درستی یا نادرستی آن، گرهی از مشکلات باز نمی‌کشد، در دولت فعلی نیز مقصر نیست دادن مدیران دولت قبل، حلال مشکلات نیست و بدتر آنکه فضای باس و بدبینی را در جامعه افزایش می‌دهد، چراکه عامه مردم، این مشکلات را در فضایی کلی می‌نگرند و برای‌شان فرقی ندارد که در دولت اصولگرا تخلف رخ داده یا در دولت اصلاح‌طلب و میانه‌رو سخنان اخیر معاون وزیر نفت در همین راستا قابل ارزیابی است. هفته گذشته جلیل سالاری، مدیرعامل شرکت ملی پالایش و پخش فراورده‌های نفتی، از پیش‌فروش بیش از ۲ میلیارد لیتر سوخت در دولت گذشته خبر داد و گفت: «یکی از چالش‌های ما در این دوره این است که در دولت گذشته بیش از ۲ میلیارد لیتر سوخت پیش‌فروش شده و ۷۴ میلیون دلار پول بدون جابه‌جایی سوخت برداشت شده است.» این سخنان آقای سالاری از چند منظر قابل بررسی است. نخستین موضوع این است که در شرایط تحریم، مشکل تمامی بخش‌های کشور در حوزه فروش و صادرات این است که فروش بسیار

می‌شود، اما امکان دریافت پول آن وجود ندارد. در حالی که مورد فراورده‌های نفتی، پول دریافت شده و فراورده تحویل داده نشده که با توجه به نوع فروش که پیش‌فروش بوده، موضوعی غیرعادی یا غیرطبیعی نیست. پس اتفاقاً از این منظر که پول دریافت شده، باید به دیده مثبت به موضوع نگریست. اگر سوخت فروخته شده و پول دریافت نشده بود قطعاً به راحتی نمی‌شد پول را دریافت کرد!

دومین موضوع این است که طبق شواهد امر، اسناد و مدارک این نقل و انتقال موجود است، چراکه با اسناد به همان اسناد و مدارک، معاون وزیر نفت از پیش‌فروش سوخت سخن گفته است. بنابراین، هم خریدار مشخص و هم تکلیف مالیی که اخذ شده معلوم است. حال اینکه برخی سایت‌های خبری با استناد به سخنان آقای سالاری از گم شدن دو میلیارد لیتر فراورده نفتی خبر داده‌اند، نمی‌توانند صحیح باشد، چراکه فراورده، پیش‌فروش شده، پول به شرکت پالایش و پخش برگشته و فراورده‌ای که در اختیار شرکت است، تحویل داده نشده‌ا در هر منطقی که بتگریم هیچ اتفاق عجیبی نیفتاده و طبیعتاً شرکت پالایش و پخش فراورده‌های نفتی صرف‌نظر از اینکه پول دلتنی به سر کار است یا نه کسی مدیرعامل آن است، باید سوختی را که پیش‌فروش کرده و پولش را دریافت کرده، تحویل خریدار دهد. اما نکته سوم جالب‌تر است. میزان سوختی که پیش‌فروش شده و باید در اختیار خریدار – یا خریداران – قرار گیرد، رقم بزرگی نیست و تنها حدود ۲ درصد فراورده تحویل شده در سال ۱۳۹۹ است. آیا شرکت ملی پالایش و پخش فراورده‌های نفتی، توان انجام این تعهد را ندارد؟ آن هم در شرایطی که از اوایل تابستان محدودیت‌هایی در صادرات فراورده‌های نفتی ایجاد شده بود و طبیعتاً وقتی مصرف داخلی فراورده‌های پرتقاضایی همچون بنزین، کمتر از تولید است، امکان انجام آن تعهدات وجود خواهد داشت. به نظر می‌رسد در شرایطی که مردم نسبت به خبرهای اختلاس و تخلفات مالی و گم شدن فلان جنس و کالا، بسیار حساس هستند، طرح چنین موضوعاتی آن هم از سوی شخصتی در قامت معاون وزیر، به جای کمک به کاهش التهابات جامعه، فضای بدبینی را در مردم گسترش می‌دهد. طرح چنین موضوعاتی در فضای عمومی، آن هم در شرایطی که پول در فرآیندی مشخص، دریافت شده و فراورده‌ها هم متعلق به شرکت پالایش و پخش و در اختیار همین شرکت است، نه تنها کمکی به حل موضوع نمی‌کنند، بلکه روند نامنی‌روایی در جامعه را افزایش می‌دهد که نه به سود مسئولان است و نه به سود مردم.

**ایران: طومار شیخ بهایی؛**

**سنای مکتوب برای مدیریت آب زاینده‌رود**

در نظام‌های مختلف اجتماعی، مالکیت انسان بر منابع موجود در طبیعت با توجه به شرایط

جغرافیایی، زمانی و مکانی و ساختاری که فرد در آن زندگی می‌کند تعریف می‌شود. شکل مالکیت با توجه به بازکرد آن در دوره‌های مختلف تاریخی تغییر کرده و انسان‌ها گونه‌های کارکردی و مناسب هر عصر را برای مدیریت منابع در نظر گرفته‌اند. یکی از این شکل‌ها، مدیریت آب و تقسیم آن بوده که در دوره‌های زمانی مختلف با هدف به حداقل رسانیدن تعارض‌ها و ایجاد عدالت در جامعه شکل گرفته است.جامعه ایران با توجه به مشکل کمبود آب از گذشته‌های دور راهکارهای مختلفی برای مدیریت منابع آب تعریف کرده است.

مهم‌ترین تدبیر فنی، چهل هزار حلقه قناتی بوده است که پیشینیان ما از چهار هزار سال قبل تا به امروز حفر کرده‌اند. از میان تدابیر حقوقی نیز می‌توان به طومار شیخ بهایی به‌عنوان سند مکتوبی برای مدیریت حوضه آب زاینده‌رود اشاره کرد. طومار شیخ بهایی، به‌عنوان سندی حقوقی برای تقسیم آب بین ساکنان ۱۷ یوک آب‌خور (شامل ۲۷۰۰ سهام جزئی و ۳۳ سهم کلی) در نظر گرفته شده بود.نظام مالکیت انسان بر منابع آب، به این معنا نیست که هر کس به هر میزان خواهد تواناند از آب استفاده کند؛ بلکه طبق توافقی اجتماعی با توجه به منابع موجود آبی تقسیم صورت می‌گرفته است. نخستین شواهد مکتوب قابل استناد که به مشکلات کم‌آبی و تعارضات میان بخش‌های مختلف حوضه آبریز زاینده‌رود می‌پردازد، طومار شیخ بهایی است. مشاهده این طومار نشان می‌دهد که طومار شیخ بهایی به‌عنوان نمونه مدیریت منابع آبی، با توجه به شرایط زیستی و جغرافیای منطقه طراحی شده است.در این طومار، از ۷۵ روز پس از نوروز تا آخر آبان ماه به مدت ۱۶۰ روز تقسیم آب تعریف شده و قبل از فصل سرد به بارندگی‌ها کافی و مناسب بوده بهره‌برداري به شکل آزاد در نظر گرفته شده است. در حق برداشت به میزان تعیین شده، تعارض را به حداقل رسانیده و مسئله بهره‌برداري از آب را مدیریت می‌کرده است.اگرچه نظام‌های مالکیت بر منابع آبی، از سوی مردم بدون نقض نبوده و تنش‌ها و تعارضات را از بین نبرده است؛ اما شاید طرح این سؤال ضروری باشد که آیا مالکیت و نمایندگی دولت بر منابع آبی توانسته است این تنش‌ها را مدیریت کند؟ آیا دولت‌ها در مدیریت و زمانبندی برداشت این منابع موفق بوده‌اند؟ آیا به مشارکت گرفتن مردم و تقویت اعتماد و سرمایه اجتماعی راهی مناسب برای مدیریت منابع آبی است؟ وقتی نظام مالکیت و بهره‌برداري توسط خود مردم اداره شود آیا نتایج بهتری را شاهد خواهیم بود؟